

خاطرات

مجموعه خاطرات

میرزا یونس



پروژه‌های ترجمه‌های استاد
شهیدی

استاد شهیدی؛ مصداق بارز وحدت حوزه و دانشگاه

سید جمال الدین دین پرور

سید جمال الدین
دین پرور

۳۵

استاد دکتر سید جعفر شهیدی را از نزدیک در کنگره‌های *نهج البلاغه* دیده بودم و بعدها در جلسات و مجامع علمی دیگر با افکار و اخلاق ایشان آشنا شدم.

جنبه‌های علمی آن مرحوم، که از حوزه علمیة نجف اشرف نشئت گرفته بود، در بیان و خامه او مشهود بود. اعتقاد و علاقه او به فرهنگ اسلامی و ائمه اطهار - علیهم السلام - به حدی بود که از مرز قرارداد و تشریفات گذشته بود و بی توجه به مسائل مادی و ظاهری، قلم به دست می گرفت و محصول اندیشه و اعتقاد خود را می نوشت.

از خصوصیات دیگر آن مرحوم، توجه به بازتاب گفته‌ها و نوشته‌هایش بود. او قبل از گفتن و نوشتن می اندیشید و در چارچوب نیاز و ضرورت و مصلحت جامعه به بیان مطالب می پرداخت.

در کنگره اول *نهج البلاغه*، که پیام امام - ره - بدان روح بخشید و بازتاب بین المللی پیدا کرد، عده زیادی از شخصیت‌های علمی، محققان و نویسندگان به ایراد سخنرانی و ارسال مقاله پرداختند؛ از آن جمله، روانشاد دکتر شهیدی بود، که تحت عنوان «بهره ادبیات از سخنان علی (ع)» و با ارائه ۹۴ منبع، مقاله خود را پر بار ساخته بود که نشان دهنده تسلط ایشان بر منابع فارسی و عربی بود. البته رساله دیگری هم در همین موضوع به رشته تحریر در آوردند که به طور مستقل از سوی بنیاد *نهج البلاغه* به طبع رسید.

نکته دیگر درباره این استاد فرزانه، همکاری‌های آموزشی و دانشگاهی ایشان بود. می دانید که *نهج البلاغه* پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی طاغوت مورد تهدید و سخت گیری بود؛ به طوری که اگر ساواک در کتابخانه شخصی این کتاب را می دید، یکی از نشانه‌های ضد رژیم و انقلابی بودن آن شخص به شمار می آمد و قهراً این کتاب در دانشگاه و محیط دانشجویی کمتر مورد استفاده قرار می گرفت؛ تا چه رسد به این که به عنوان یک درس رسمی مورد توجه قرار گیرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنیاد *نهج البلاغه* تلاش کرد که با همفکری و همکاری اساتید بزرگ، *نهج البلاغه* را نه تنها به عنوان یک درس بلکه به عنوان یک رشته درسی به تصویب وزارت علوم برساند. روشن است که چنین کار بزرگی، به خصوص با وجود گرایش‌های خاص در وزارت علوم آن زمان، کار ساده و آسانی نبود؛ ولی وجود شخصیت‌های علمی، چون دکتر شهیدی، دکتر گرجی و دکتر محقق داماد و دیگر بزرگان، باعث شد که موانع کنار رود و رشته *نهج البلاغه* به تصویب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برسد.

بنابراین، یکی از چهره‌های بسیار معتبر و وزین در دانشگاه، مرحوم دکتر شهیدی بود که وجود ایشان به عنوان یکی از اعضای اصلی این طرح و ورود قدرتمندان و قاطعانه ایشان در تحقق این امر بسیار شایان توجه است. به نظر می‌رسد که یکی از باقیات صالحات مرحوم استاد شهیدی -ره-، نقش بزرگ او در تصویب رشته *نهج البلاغه* در دانشگاه‌های کشور است، که برای اولین بار به این گستردگی صورت رسمیت یافت.

امروزه همه دانشگاه‌های کشور می‌توانند این رشته را در حوزه ویژه خود تأسیس و دانشجویان از طریق کنکور سراسری در آن شرکت کنند و اکنون به طور خاص، دانشگاه پیام نور و دانشکده علوم حدیث سال‌هاست که دانشجویی می‌گیرند و اخیراً دوره دکتری *نهج البلاغه* هم در شرف تأسیس است. از دیگر خدمات استاد، باید از ترجمه *نهج البلاغه* آن مرحوم یاد کرد. ایشان از پیش‌کسوتان ترجمه *نهج البلاغه* به‌شمار آمده و از کسانی است که به دو زبان عربی و فارسی تسلط داشت و صاحب نظر بود و با دقت و اشراف بر مبانی علمی دست به ترجمه برد؛ به طوری که ترجمه ایشان در ردیف کتاب‌های مرجع قرار گرفته است.

نکته دیگر درباره مرحوم دکتر شهیدی، ساده‌زیستی و بی‌تکلف بودن و پرهیز شدید از تظاهر و خود معرفی کردن بود. او با این که پدر شهید بود و به این موضوع مباهات می‌کرد، اما از تظاهر به این امر و مطرح کردن آن خودداری می‌نمود و هرگز اجازه نمی‌داد اغراض مادی و سیاسی، این امر الهی را بی‌الابد.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از دانشگاه تهران و مسئولان مربوطه تشکر کنم که تا آخرین لحظات عمر جناب استاد از مقام ایشان حمایت و پاسداری کرده و جایگاه استادی و شخصیت علمی او را پاس داشته و به وظیفه خود عمل کردند؛ تا آنجا که نویسنده مطلع است که آن استاد فرزانه همچنان در مقام استادی قرار داشت و تا آن زمان که حال مزاجی او اجازه می‌داد، دانشجویان دوره دکتری از راهنمایی‌های ایشان استفاده می‌کردند.

در هر صورت، احترام و تجلیل از مقام علم و ایمان موجب گرایش نسل جوان و فرهیخته به این دو گوهر گران‌بهاست.

وحدت حوزه و دانشگاه

نکته مهم دیگر آن که مرحوم استاد شهیدی مصداق بارز وحدت حوزه و دانشگاه بود؛ زیرا سرمایه اصلی علمی خود را از حوزه نجف اشرف و آن پایگاه بزرگ علوم اسلامی از محضر علمای برجسته کسب کرد و با این پشتوانه عظیم فرهنگی و دانش اسلامی و بهره‌وری از استعداد سرشار پا به محیط دانشگاه گذاشت و با زحمت و تلاش فراوان و بهره‌وری از اساتید، به مدارج عالی دانشگاهی نایل آمد و به تدریس پرداخت و دانشجویان در پرتو اخلاق و منش او به تحصیل پرداختند. ایشان در

فضای تاریک دوران طاغوت و گسترش فعالیت علیه فرهنگ اسلامی، به مبارزه خاموش و ساختن افکار نسل جوان پرداخته، زمینه‌های انقلاب اسلامی را فراهم ساخت.

ادامه حضور چنین شخصیت ارزش‌مندی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دانشگاه، با همان صفا و معنویت حوزه، باعث شد که بین این دو نهاد علمی نزدیکی و هماهنگی ایجاد شده و فراتر از قراردادهای اجتماعی - سیاسی به عمق و ضرورت وحدت دست یازند.

تدریس ایشان در مجامع دانشگاهی و مطرح کردن مسائل دینی به زبان روز، و نیز شرکت در جلسات درسی طلاب حوزه‌های علمیه و بیان مطالب علمی در تیسین معارف اسلامی، به‌ویژه تاریخ اسلام و ادبیات پربار فارسی، و استناد به منابع ارزش‌مند نظم و نثر فارسی و عربی، که برای حوزویان حلاوت و ملاحتی خاص داشت، از نمودهای بارز این وحدت بود.

وحدت حوزه و دانشگاه به معنای ایجاد ارتباط و نزدیکی بین اندیشه‌مندان اسلامی و دانشمندان علوم مختلف و بحث و گفت‌وگو در فضایی دوستانه و صمیمی است که شکوفایی دانش و کشف اسرار و ناشناخته‌ها را در پی داشته و با تبادل افکار موجب گشوده شدن مرزهای دانش به روی دانشجویان و محققان خواهد شد. همفکری و همکاری دانشمندان علوم مختلف، مجموعه هماهنگی را ایجاد کرده که دانشجویان به دور از تعصبات کور و موهوم در کنار یکدیگر به تکمیل یافته‌ها و تبادل بهره‌وری‌ها پردازند؛ زیرا بین علوم الهی و علوم طبیعی نه تنها ناسازگاری نیست؛ بلکه علوم طبیعی می‌توانند مقدمه و زمینه معرفت الهی باشند؛ چون یکی از راه‌های خداشناسی، رسیدن از معلول به علت است که جلوه‌گاه آن، علوم طبیعی و تجربی است.

در هر صورت، رکن مهم در تحقق وحدت بین حوزه و دانشگاه، برداشتن دیوارهای تعصب و بیگانگی است؛ یعنی دانشجو و طلبه باید به یکدیگر با دید دو پوینده و پژوهنده نگاه کنند و هیچ‌کدام دیگری را متهم نکنند؛ بلکه دو بال برای یک پرواز باشند و در واقع تقسیم کار و مسئولیت برای پیش‌برد یک هدف مقدس، یعنی تحقق جامعه برتر اسلامی، باشد.

ارتباط صمیمانه مرحوم دکتر شهیدی با حوزه و دانشگاه و گفت‌وگوی دوستانه و مهربانانه با دانشجو و طلبه، روح خوش‌بینی را در هر دو قشر به وجود می‌آورد و زمینه تحقق وحدت را فراهم می‌ساخت.

تقیّد به نماز اول وقت

یکی دیگر از رفتارهای درس‌آموز مرحوم دکتر شهیدی، تقیّد شدید ایشان به نماز اول وقت و مقدم داشتن این عبادت بزرگ بر هر کار و اشتغال بود.

کسانی که با این استاد فرزانه محشور و در سفر و حضر از نزدیک شاهد برنامه‌های او بودند، به خوبی آگاهند که ایشان این فریضه الهی را بسیار مهم می‌شمرد و آنرا در اول وقت به‌جا می‌آورد؛ حتی در جلسات مهمی که احیاناً رئیس جمهوراً هم شرکت داشت، موقع نماز جلسه را ترک کرده و به آرامی برمی‌خاست و در گوشه‌ای نماز اول وقت را اقامه می‌نمود و عملاً به فرهنگ‌سازی در این زمینه می‌پرداخت.

خدایش رحمت کند و با اجداد طاهرش محشور فرماید.

۱. به نقل از جناب آقای دکتر جلیل تجلیل که خود در جلسه شورای گسترش زبان فارسی در خارج از کشور، حضور داشتند.